

پاسداری از فکر و فرسنگ

علی رهبر

تعبیر های چهار گانه ((بعثت، غدیر، عاشورا و امام مهدی (عج)) ((الهام گر یک حقیقت ماندگار است. در بعثت پایه گذاری، دو غدیر تدبیر تداوم، در عاشورا تضمین و در ظهور حضرت مهدی (عج) گسترش و استیلاء کامل، نهادینه و فرهنگ سازی شده است.

حکمت خداوند این است که دین آخرین تا آخرین روز زندگی انسان بر پهنه خاک بماند و همتای آن (عترت) هم آغوش یکدیگر تا وصول به (کوثر قیامت)، جاوید بماند. پس بر اساس حدیث منقن (ثقلین) هیچ لحظه ای، قرآن بدون عترت نمی ماند و اگر دو نفر بر پهنه خاک بمانند، یکی از آن دو، انسان کامل است و قرآن حاکم بر آنان.

بر اساس آیه ((... و انا له لحافظون))، ما قرآن را حفاظت می کنیم (قرآن از تحریف مصون می ماند ولی به این معنا نیست که قرآن از تحریف حفظ می شود، هر چند مردم به حفاظت آن نپردازند. اگر چنین بود، حساسیت مسلمانان از صدر تا امروز، از میان می رفت؛ حال آنکه برای تحریف نشدن قرآن چقدر خون دلها خورده شد! تعبیر (حافظون)، شاید پسان)) و نحن الزارعون)) باشد که به معنای حذف انسان در کشت و زراعت، نیست.

اما ممانعت از تحریف معنوی متون دینی، حرکت دیگری است که پاسداری ویژه خود را می طلبد. تحریف معنوی آن است که قالب آیه یا روایت، تغییر نمی کند ولی مقصود از آن تحریف می شود. گاهی حاکمان غاصب، قصد براندازی اسلام را داشتند و مردمان هم مسخ شده و حیرت زده در بیابان بی راه ضلالت، سرگردانند. امام صادق (ع) در زیارت جامعه کبیره در نیایش با خدا چنین تکلم کرده اند: (و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله)، حسین بی علی (ع) خون حیاتی خود را بذل تو کرد تا:

(الف) بندگان تو را از غرق شدن در گرداب جهل، نجات دهد

(ب) حیرت و سرگردانی گمراهیشان را پایان دهد.

همه شنیده ایم که (قیام سید الشهداء) علت و باعث دوام بعثت و غدیر است اما خوانندگان این سطرها، خوب است که چگونگی این تضمین را با استدلال ثابت کنند: گاهی



حاکمان غاصب در اندیشه براندازی اند، که جلد دهم الغدير به توطئه حساب شده مثلث ابوسفیان، معاویه و یزید (جد، پدر و پسر)؛ با استناد به منابع اهل سنت؛ به گونه مفصل پرداخته است.

بعد از ورود کاروان اهل البیت (علیهم السّلام) به شام، یزید در اشعاری به پایان یافتن حرکت وحی و نبوت آل هاشم، اشاره کرده است و به همین دلیل برخی از بزرگان اهل سنت او را تکفیر کرده اند. این اشعار، بهترین گواه است که طرح براندازی بعد از ۶۰ سال قمری؛ به زعم براندازان، به غایت خود رسید.

این هدف از یک سو، بی تفاوتی مردم نسبت به حمایت عملی از سومین خلیفه راستین رسول خدا (ص) یعنی حضرت حسین بی علی بن ابیطالب (ع) از سوی دیگر، تحریف های معنوی را کارساز نموده بود که اگر حضرت سید الشهداء نبود، در رؤیای سنگین مردم به ظاهر پایبند به اسلام، رهنمان بیدار، میراث آسمان را به غارت می بردند.

اما حرکت کاروان اسیران پیروز، در تکمیل حرکت سید الشهداء حتی شام ندیده را طوفانی کرد تا آنجا که زنان خاندان ابوسفیان، دستان اسیران زن را به حرمت و احساس خجالت می بوسیدند و در خانه یزید، بزم عزای حسینی بر پا شد. مدینه و کوفه و مکه و شام عمق نقشه براندازی خاندان ابوسفیان را فهمیدند.

در کنار همه این فداکاری ها، پاسداری مداوم امام سجاد (ع) تا زیارت ناحیه ویژه آخرین حجت خدا و همه روضه خوانی ها و بیان معارف و راه یابی به دل و اندیشه و عواطف مردم، اسلام را تضمین کرد.

بر ما است که نگذاریم این حرکت زیبای ارج نهادن سوگوارانه، با اشعار اغراق آمیز یا توهین آمیز و حرکت های توجیه ناپذیر، در پشت ابر های ایهام، از درخشش بیفتند و نسل پُرسشگر ما نتواند، عمق حرکت حسینی را در یافت کند. بر ماست که پاسدار فکر و فرهنگ تقلین باشیم.

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

